

بررسی و تحلیل استعاره‌های مربوط به اشخاص درباری

در خمسه نظامی براساس دیدگاه استعاره‌شناختی

محمد فاطمی‌منش (نویسنده‌ی مسئول)، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند.

(ar.sanchooli@birjand.ac.ir)

چکیده

نظامی از جمله شاعران سبک آذربایجانی است که اگرچه ارتباط چندانی با دربار شاهان نداشت؛ اما نگرش‌ها و ذهنیت‌هایی که میراث شاعران پیش از او بود، موجبات این را فراهم آورد تا او نیز خواه ناخواه، تحت تاثیر گفتمان درباری و عناصر مرتبط با آن قرار بگیرد؛ به گونه‌ای که عناصر درباری و صورخیال مخصوص به این نوع گفتمان، در شعر او بسامد قابل توجهی پیدا می‌کند و تاثیر به سزایی بر شعر او می‌گذارد. با توجه به همین موضوع، در پژوهش حاضر با اعتقاد به کارآمد بودن مطالعه‌ی شناختی در فهم و درک بهتر نظام فکری و اندیشگانی نظامی گنجوی، تلاش شده است تا ساختارهای استعاره‌پردازی، شاکله‌ها و آن عواملی که باعث ایجاد استعاره‌های مربوط به اشخاص درباری در ذهن نظامی می‌شود، نشان داده شود. از همین رو در مسیر پژوهش تلاش شد تا با مطالعه و بررسی دقیق استعاره‌های شناختی و دو سویه‌ی آنها، نحوه‌ی داد و ستد بین قلمروهای مورد نظر نمایان شود. مهم‌ترین نتیجه‌ی این پژوهش این است که ثابت کرد، بخش اعظمی از نظام استعاره‌پردازی نظامی، مربوط به نظام درباری می‌شود، گفتمانی که باعث خلق کلان‌استعاره‌ها و به تبعیت از آن خرده‌استعاره‌های بسیار و همچنین استعاره‌های ساختارمند، در خمسه نظامی گشته است.

واژگان کلیدی: نظامی، خمسه، استعاره‌های درباری، استعاره‌ی شناختی.

۱. مقدمه

شعر فارسی از آغاز پیدایش خود تا دوره‌های پس از آن از پشتیبانی دربارها برخوردار بوده است و مشوق اصلی شاعران همین حکومت‌ها بوده‌اند که گاه با در نظر داشتن مسائل سیاسی و گاه بر اثر گرایش‌های ذوقی خاص و همچنین نمایش شکوه و عظمت دربار خویش، شاعران را به سرودن اشعار وامی‌داشته‌اند و آنها را تحت حمایت خود قرار می‌دادند. باری، حمایت‌های مادی و معنوی درباریان از شعر و همچنین ارتباط نزدیک شاعران با حاکمان و رفت و آمدشان به دربار آنان، باعث شکل‌گیری نوع خاصی از ادبیات به نام ادبیات درباری گردید، گونه‌ای از شعر که بنابر ذائقه‌ی مخاطب خاصی که داشته، دارای عناصر و ویژگی‌هایی بوده که بیشتر تحت تاثیر مسائل درباری و نوع زندگی درباریان قرار داشته است. در واقع محیط دربار بنابر جذابیت‌های ویژه‌ای که برای شاعران و ادبا داشته مانند به دست آوردن صله، حفظ آثار و ماندگاری آنها، شهرت و کسب مقام در دربار و غیره، آنها را بر آن وا می‌داشت که برای نیل به این اهداف و جلب نظر مخاطب درباری، در شعر خود هرچه بیشتر از عناصر گفتمان درباری بهره بگیرند و به خلق تصاویر و توصیفات روی بیاورند که بیشتر رنگ و بوی اشرافی و درباری دارد و به گونه‌ای نمایانگر زندگی اشرافی باشد.

وابستگی بسیار شعر فارسی در دوره‌های اولیه‌ی خود به دربار، منجر شد تا نگرش‌ها، ذهنیت‌ها و همچنین سنت‌های خاصی وارد شعر فارسی شود. از جمله ذهنیت‌های خاصی که ایجاد شد، این باور بود که برای ارزشمند جلوه

دادن و پذیرفتنی کردن کلام، باید آن را با گفتمان درباری و اشرافی و عناصر و لوازم مرتبط با آن آمیخته کرد. نگرشی که عاملی می‌شود تا برخی از شاعران سعی کنند، فضای شعری خود را در حال و هوای درباری حفظ کنند و برای تصویرسازی‌ها و استعاره‌پردازی‌های خود، خودآگاه و ناخودآگاه بنابر آن ذهنیت خاص، تحت تاثیر گفتمان درباری باشند و حتی از این طریق بسیاری از باورها و اعتقادات خود را در قالب گفتمان درباری مطرح کنند؛ در واقع در ضمیر شاعران چنین مرتسم شده بوده است که زندگی مردم عادی ارزش چندانی ندارد و عناصر و اجزای متعلق به آن پایدار نیست؛ زیرا پیش پافتاده و غیرقابل تامل است و همین نکته سبب شده است شاعران به عناصری که در زندگی عادی ایشان جریان داشته کمتر توجه کرده‌اند و همین عدم توجه و دقت نکردن در مسائل زندگی روزانه و عادی توده‌ی مردم که بی‌ارزش و غیرقابل تامل تشخیص داده شده است، سببی است برای گرایش شاعران به تامل در عناصری که از محیط زندگی اشرافی و درباری برمی‌خیزد و در نظر آنان پایداری و بقاء همیشگی دارد و به علت عدم دسترسی برای توده‌ی مردم نوعی جنبه‌ی اساطیری و افسانه‌ای به شعر آنها می‌دهد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۸۹) مسئله‌ای که می‌توان شواهد آن را در تصاویر به کار رفته از برخی از شاعران، مانند نظامی نیز یافت. او از جمله شاعرانی است که اگرچه ارتباط چندانی با دربار شاهان نداشت؛ اما نگرش‌ها و ذهنیت‌هایی که میراث شاعران پیش از او بود، موجبات این را فراهم آورد تا او نیز خواه ناخواه، تحت تاثیر گفتمان درباری و عناصر مرتبط با آن قرار بگیرد؛ به گونه‌ای که عناصر درباری و صورخیال مخصوص به این نوع گفتمان، در شعر او بسامد قابل توجهی پیدا می‌کند و تاثیر به‌سزایی بر شعر او می‌گذارد. نظامی شاعری نوآور و مبتکر است و بنابر اسلوب و شیوه خاص شعری خویش، بیشتر سعی در نوآوری در صورخیال کلام خود دارد و تمایل چندانی به آوردن تصاویر کلیشه‌ای ندارد، به همین دلیل مشاهده می‌کنیم برخی از تصاویری که نظامی از طریق عناصر درباری خلق می‌کند، بسیار تازه و جدید است. با توجه به همین موضوع، هدف از این پژوهش، بررسی استعاره‌های مربوط به اشخاص درباری در خمسه‌ی نظامی براساس دیدگاه استعاره‌ی شناختی است تا نقش کلیدی و مهم تصاویر درباری در آثار نظامی نشان داده شود و حوزه‌هایی که استعاره‌های مربوط به اشخاص درباری در آن بسامد بالایی دارند، مورد شناسایی قرار گیرد. مسأله اساسی این است که از رهگذر بررسی آنچه در این پژوهش توسعه «استعاره‌ی درباری» نامیده شده است می‌توان به کلیدهای شناختی فهم شعر نظامی دست یافت و اثبات کرد که سازوکار استعاره‌پردازی نظامی در این حوزه بر محور نظام معنادار و قابل توصیفی استوار است. منظور از استعاره‌های درباری در این پژوهش استعاره‌هایی است که عناصر تشکیل دهنده‌ی آن از گفتمان سلطنتی و دربار گرفته شده است و شامل اصطلاحات رزمی، امور قضایی و دیوانی، آلات و اماکن درباری، شکار و دیگر امور درباری می‌باشد. در واقع استعاره‌های درباری شاخصه‌ی سبکی برجسته و قابل توجهی در سطح بلاغی خمسه نظامی است و در صورت اثبات این مدعا و توصیف طرحواره‌های مفهومی آن، می‌تواند به عنوان سنجه‌ای مهم در بررسی آثاری که به تقلید از خمسه‌ی نظامی نگاشته شده است، سودمند واقع شود.

۲- سوالات تحقیق

۱. کارکرد ساختاری استعاره‌های مربوط به اشخاص درباری در خمسه نظامی چیست؟
۲. فرایند شکل‌گیری استعاره‌های مربوط به اشخاص درباری در خمسه چگونه است؟
۳. نظامی بیشتر برای تبیین چه مفاهیمی از استعاره‌های درباری استفاده کرده است؟

۳- سابقه‌ی تحقیق

در این تحقیق، استعاره‌های خمسه‌ی نظامی از منظر رویکرد شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد که این امر در تحلیل منظومه‌های نظامی کاری بی‌سابقه به شمار می‌آید؛ زیرا که بررسی پیشینه‌ی تحقیق در زمینه‌ی صورخیال و مبحث استعاره در خمسه‌ی نظامی نشان می‌دهد که اکثر این پژوهش‌ها، با دیدگاه کلاسیک و سنتی به بررسی و تحلیل

صورخیال و استعاره در خمسه پرداخته‌اند و تحقیقی که با رویکرد شناختی و مفهومی به بررسی سروده‌های نظامی در خمسه پردازد در ادبیات فارسی پیشینه‌ای ندارد و پژوهشی در این زمینه انجام نشده است؛ با وجود این، چند منبع را می‌توان به مثابه‌ی پیشینه‌ی این تحقیق دانست.

نخستین و مهم‌ترین کتابی که به بررسی تصاویر بلاغی مرتبط با لوازم و عناصر اشرافی پرداخته است، صورخیال در شعر فارسی دکتر شفیع کدکنی است. دکتر شفیع کدکنی در این کتاب، در ارتباط با تصاویر اشرافی و منشا آنها، بحث‌های مبسوط و دقیقی بیان کرده است. او در این کتاب به اشرافی بودن شعر فارسی اشاره دارد و در بخش‌هایی به رابطه‌ی اشرافیت و نوع تصویرهای برخی از شعرا و همچنین تاثیر اشرافیت بر واژگان شعر فارسی می‌پردازد؛ ضمناً وی پس از این مبحث، بخشی را نیز به بحث تصاویر سپاهی اختصاص می‌دهد و در آن ریشه‌ی برخی تصاویری که منشا آنها عنصر سپاهی است، مورد واکاوی و بررسی قرار می‌دهد (شفیع کدکنی، ۱۳۸۶).

فرد دیگری که در رابطه با اشرافیت و تصاویر مربوط به آن تحقیقاتی انجام داده است، ابراهیم استاجی است. او در سال ۱۳۸۱ از رساله‌ی خود را با عنوان فرهنگ عناصر اشرافی و کاربرد بلاغی آنها در شعر فارسی تا قرن پنجم هجری قمری در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع کرد و بعدها آن را تحت عنوان مجری مرصع به چاپ رساند. کار او دارای گستردگی بسیاری بود و در آن، انواع مختلف عناصر اشرافی از فلزات گرفته تا شبه‌فلزات، احجارکریمه، زهرها، پادزهرها، چوبهای زیتنی، مواد خوراکی و غیره را مورد بررسی قرار داده بود (ر. ک. استاجی، ۱۳۸۱).

۴- نظام اصطلاحی تحقیق

۴-۱- استعاره‌ی شناختی (Conceptual Metaphore)

زمانی که یک قلمرو مفهومی از طریق قلمرو مفهومی دیگر شناخته می‌شود، با استعاره‌ی شناختی روبرو هستیم. این شناخت به وسیله‌ی مشاهده‌ی یک مجموعه از نگاشت‌ها یا تناظرهای قاعده‌مند حاصل می‌شود (Kövecses, 2002:248). این استعاره‌ها صرفاً یک قرارداد زبانی نیستند، بلکه در شیوه‌های مختلف شناختی بشر از پدیده‌های جهان خارج ریشه دارند و محصول نگرش‌ها و ذهنیت‌های افراد نسبت به محیط پیرامون خود هستند. سیطره و سلطه‌ی هر کدام از نگاشت‌های شناختی در متون مختلف، خصوصاً متون ادبی موجب می‌شود تا طیف وسیعی از تصاویر، توصیفات، مجازها و کنایه‌های مختلف در متن به وجود بیاید و جهان‌بینی‌ها و مجموعه باورها و عقاید نویسنده از لابه‌لای اینگونه استعاره‌ها خود را نمایان سازد.

۴-۲- نگاشت (Mpping)

نگاشت اصلی‌ترین و مهم‌ترین مبحث در نظریه استعاره مفهومی محسوب می‌گردد که از علم ریاضیات گرفته شده است و منظور از آن، تناظرهای نظام‌مند استعاری بین مفاهیمی است که ارتباطی نزدیک با یکدیگر دارند (Grady, 2007: 190). به زبان دیگر استعاره مفهومی، نگاشت قلمروهای متناظر میان دو امر انتزاعی و حسی یا دامنه مقصد و منبع می‌باشد، که از طریق آن آدمی به درک و استدلال در مورد مفاهیم انتزاعی و ذهنی می‌پردازد و به نوعی می‌تواند مفاهیم ذهنی و غیرحسی را براساس امور عینی و محسوس، ملموس و قابل درک و همچنین ساختارمند نماید.

۴-۳- قلمرو مبدأ (Source Domain)

قلمرویی مفهومی است که ما از آن برای درک قلمرو مفهومی دیگر استفاده می‌کنیم، درجه‌ی انتزاعی بودن این قلمرو نسبت به قلمروهای مقصد بسیار کمتر است (Kövecses, 2002:252).

۴-۴- قلمرو مقصد (Target Domain)

قلمرویی است که ما سعی می‌کنیم به کمک قلمروهای مفهومی دیگر آن را درک کنیم، این قلمرو نسبت به قلمرو مبدأ انتزاعی‌تر و ذهنی‌تر است (Ibid).

۴-۵- استعاره‌های هستی‌شناختی (Ontological Metaphore)

استعاره‌های هستی‌شناختی، استعاره‌هایی هستند که به ما این قابلیت را می‌دهند که مفاهیم و امور انتزاعی را بنا بر تجاربی که از پدیده‌های مختلف داریم، در قالب هستومندهایی شی بنیاد، ظرف بنیاد و یا جاندار بنیاد، ملموس و قابل درک نمائیم.

۴-۶- استعاره‌های ساختاری (Structural Metaphore)

در این نوع استعاره‌ها، یک مفهوم در قالب مفهوم دیگر به صورت کاملاً نظام‌مند، ساختاربندی و قالب‌بندی می‌شود؛ به عبارت دیگر این استعاره این امکان را فراهم می‌کند تا سخنور قلمرو مقصد را از طریق ساختار قلمرو مبدأ درک نماید (Kövecses, 2002: 33)

۴-۷- استعاره‌های تصویری (Image Metaphore)

این نوع از استعاره، حاصل فراافکنی یک تصویر عینی بر روی تصویر عینی دیگر است و با استعاره‌های ساختاری و استعاره‌های هستی‌شناختی تفاوت بسیار دارد. در فرآیند ایجاد این استعاره، کل ساختار و یا بخشی از ویژگی‌های قلمرو مبدأ مانند رنگ، روشنایی، شکل و جنبه‌های دیگر به قلمرو مقصد نسبت داده می‌شود؛ در واقع استعاره‌های تصویری بازنمودهایی زبانی هستند که براساس نگاشت قلمروهای متناظر و شباهت‌های ظاهری بین دو امر عینی ایجاد می‌شوند و با وجود اینکه باعث مقوله‌بندی و یا ساختاربندی امر شناخت نمی‌شوند؛ اما مانند دیگر استعاره‌های شناختی، براساس اصل تغییرناپذیری مفاهیم یک قلمرو را بر مفاهیم قلمرو دیگر فراافکنی می‌کنند (Guerra, 2009: 63)

۴-۸- کلان استعاره‌ها (Megametaphors)

کوچک‌چشم در تعریفی که از این نوع استعاره ارائه می‌دهد، آنها را استعاره‌هایی می‌داند که هرچند خود بازنمود صوری نمی‌یابند، اما به تمام خرده‌استعاره‌های یک متن انسجام می‌بخشند و یک ساختار منسجم استعاری را در متن پدید می‌آورند و بیشتر آنها را می‌توان در ادبیات مشاهده کرد (2002,51).

۵- روش تحقیق

روش این تحقیق بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی است، به این طریق که نگارنده پس از برگزیدن خمسه‌ی نظامی به تصحیح بهروز ثروتیان به عنوان مبنای کار، به مطالعه‌ی دقیق آن پرداخت و سپس اقدام به استخراج استعاره‌های درباری هریک از منظومه‌های آن نمود که در طی آن ابیات دربردارنده‌ی استعاره‌ها، به همراه نگاشت‌های حاصل از آنها با ذکر شماره‌ی صفحه و بیت فیش‌برداری گردید.

حجم زیاد داده‌ها و همچنین ناکارآمدی استفاده از روش‌های سنتی ایجاب می‌کرد که در بررسی و آمارگیری استعاره‌های درباری، از نرم‌افزارهای رایانه‌ای مختص به امر پردازش و تحلیل داده‌ها مانند SPSS, Excel و Access استفاده شود. بر همین مبنا در ادامه با وارد کردن داده‌ها در نرم‌افزارهای رایانه‌ای، هر کدام از آنها فهرست و بنا بر نوعشان به قسمت‌های مختلفی تقسیم شدند؛ چنانکه برای بهتر نشان دادن سازوکار استعاره‌پردازی در شعر نظامی، استعاره‌های مربوط به اشخاص درباری، بر مبنای دو سویه‌ی مبدأ و مقصد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. علاوه بر این، استعاره‌ها برطبق گستره‌ی فرآیند استعاره‌پردازی، در پنج حیطه‌ی مفاهیم، طبیعت، امور مصنوع، انسان و حیوان و متعلقات آن رده‌بندی گردیدند. تصاویر و جدول‌های بسیاری که در این پژوهش وجود دارد، نمود دسته‌بندی‌ها و آمارگیری‌های بسیاری است که از استعاره‌های مربوط به اشخاص درباری صورت گرفته است. گفتنی است، در این پژوهش به جای ذکر منظومه‌های خمسه از علائم اختصاری استفاده شده است و (م. ا) نشانه‌ی مخزن-

الاسرار، (خ.ش) خسرو و شیرین، (ل.م) لیلی و مجنون، (ه.پ) هفت‌پیکر، (ش.ن) شرف‌نامه و (ا.ن) نشانه‌ی اقبال-
نامه می‌باشد.

۶- بحث اصلی تحقیق

۶-۱- حوزه‌ی اشخاص درباری

استعاره‌های مربوط به اشخاص درباری اصلی‌ترین و پربسامدترین استعاره‌های خمسه‌ی نظامی می‌باشد که بخش مبدأ آن با دربرداشتن ۱۹۷۴ استعاره، ۳۵ درصد از کل این مقدار به حساب می‌آید. استعاره‌های بخش مبدأ، اشخاص و مناصب درباری زیادی را در بر می‌گیرد که حدود تقریبی آنها به ۶۰ شغل درباری می‌رسد؛ از استعاره‌ی والای شاهی گرفته تا مناصبی همچون وشاقان، قاصدان، جنیت کشان و غیره که نمونه‌هایی از آنها در جداول و اشکال ارائه شده در بخش‌های بعدی نشان داده می‌شود. در این بین استعاره‌های مربوط به نهاد شاهی دارای بیشترین بسامد در بین تمام اشخاص و مناصب درباری است، چنانکه از حدود ۱۹۷۴ مورد استعاره در مورد اشخاص درباری، حدود ۸۰ درصد از آنها؛ یعنی ۱۵۷۵ مورد آن، به نهاد شاهی و شخصیت شاه مربوط می‌شود که بسیار جای تأمل دارد؛ گویا مقام و شخصیت شاه، به علت مرکزی بودن و اینکه مظهر تمام و کمال قدرت و حاکمیت می‌باشد، ذهن نظامی را بسیار تحت تأثیر خود قرار داده و او را واداشته است تا بیش از همه‌ی اشخاص درباری، شاه را مد نظر خویش قرار بدهد و از این نهاد برای بسط خرده‌استعاره‌های دیگر در خمسه استفاده نماید. از استعاره‌های مطرح در این بخش می‌توان به استعاره‌های «خدا شاه است»، «محمد شاه است»، «مجنون شاه است» و «دل شاه است» اشاره کرد.

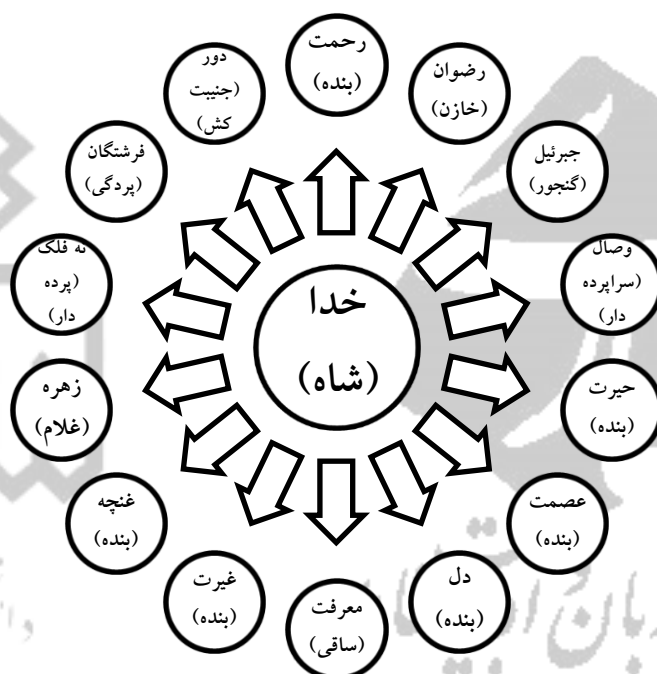
جدول ۱ (میزان استعاره‌های مربوط به حوزه‌ی اشخاص درباری).

ردیف	حوزه‌ی اشخاص درباری	خ.ش	ل.م	ه.پ	ش.ن	ا.ن	تعداد کل
۱	مبدأ	248	493	554	198	120	1974
۲	مقصد	1952	66	573	778	135	3533
۳	کل	2200	559	1127	976	255	5507

چنانکه در جدول بالا مشخص است، استعاره‌های مربوط به قلمرو مقصد در منظومه‌هایی که دارای مضمون درباری هستند بیشتر است و از سوی دیگر آثار غیردرباری و یا عرفانی دارای حجم بیشتری از استعاره‌های مرتبط با قلمرو مبدأ می‌باشند که در این بین منظومه‌ی هفت پیکر با توجه به اینکه هم دارای مضمون درباری و هم دارای ماهیتی رمزی است، استعاره‌های قلمرو مبدأ و مقصد آن در یک سطح و دارای تناسب است.

میزان اشخاص درباری که در این بخش مورد توصیف واقع گشته‌اند نیز بیش از ۱۰۰ شخصیت است که شامل شاهان و حاکمان، زنان درباری و دیگر خدمه می‌باشد. بیشتر استعاره‌های این حوزه در مورد شخصیت شیرین است. در واقع میزان استعاره‌هایی که نظامی در توصیف شخصیت شیرین به کار برده ۱۱۲۹ استعاره است که در کل، ۳۱ درصد کل استعاره‌های این حوزه محسوب می‌شود. پس از این شخصیت، خسرو قرار دارد که نظامی ۴۱۴ استعاره به او اختصاص داده است و پس از خسرو، شخصیت‌های اسکندر، کنیز چینی (شرف‌نامه)، بهرام و کنیزان شیرین به ترتیب با دربرگرفتن ۳۸۶، ۱۵۶، ۱۱۳ و ۱۰۳ استعاره، دارای بیشترین حجم توصیف می‌باشند. البته باید توجه داشت که عدد ارائه شده در رابطه با میزان استعاره‌های مربوط به اسکندر، برگرفته از دو منظومه‌ی شرف‌نامه و اقبال‌نامه است و مقدار استعاره‌های به کاررفته در مورد او، به صورت منظومه‌ی کلی اسکندرنامه محاسبه گردیده است که سهم هریک از منظومه‌های شرف‌نامه و اقبال‌نامه، به ترتیب ۳۱۲ و ۷۴ استعاره می‌باشد.

در این بخش حدود ۱۰۹۱ استعاره به کار رفته است که در آن مفاهیم زیادی از طریق کاربرد اشخاص درباری مفهوم سازی شده‌اند و اغلب این مفهوم سازی‌ها نیز در ارتباط با شخصیت شاه قرار دارد. از میان حجم وسیع استعاره‌های مربوط به شخصیت شاه، مهم‌ترین و پربسامدترین استعاره، کلان استعاره‌ی «خدا شاه است» می‌باشد که بر طبق بررسی داده‌ها، در ۹۴۰ بیت نمود یافته و بسیاری از استعاره‌های دیگر را تحت سیطره‌ی خود درآورده است و توانسته شبکه‌ای از استعارات را در متن خمسه ایجاد کند که نمود آن در بخش تحمیدیه‌های منظومه‌ها و همچنین بخش مربوط به نعت پیامبر اسلام و مسائل مربوط به معراج ایشان، بسیار بیشتر از سایر بخش‌های منظومه‌ها نمایان است. البته در این رابطه، منظومه‌ی هفت‌پیکر می‌تواند یک استثنا باشد؛ زیرا که در این منظومه علاوه بر اینکه کلان استعاره‌ی «خدا شاه است» در بخش تحمیدیه و معراج‌نامه آمده است، در داستان گنبد اول این منظومه نیز، قهرمان داستان یعنی شاه سیاه‌پوش، با شاه‌بانویی دیدار می‌کند که بر طبق تفاسیری که در مورد این داستان انجام شده است، شاه بانوی زن، نمود خداوند است و در این تحقیق نیز براساس همین تفاسیر، استعاره‌ی شاهانه‌ی مربوط به این شاه-بانو را در مجموع، در زیر مجموعه‌ی کلان استعاره‌ی «خدا شاه است» قرار داده‌ایم (برای اطلاعات بیشتر ر.ک. بری، ۱۳۸۵).

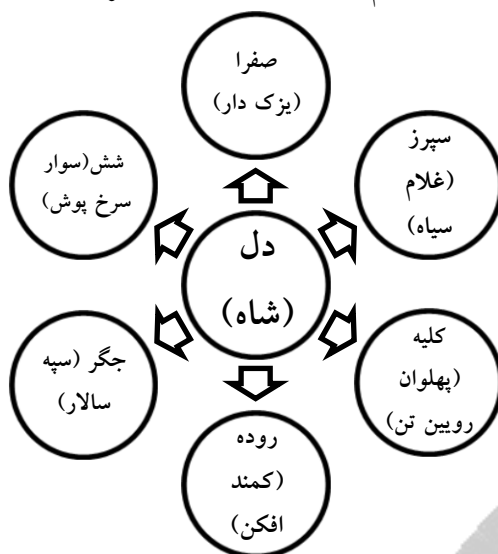


۱. شاه‌انگاری خدا.

همانگونه که در تصویر مشخص است، کلان استعاره‌ی خدا شاه است، منجر به ایجاد خرده استعاره‌های فراوانی در ذهن نظامی شده است، خرده استعاره‌هایی که در آن‌ها امور مختلفی همچون امور انتزاعی؛ مانند وصال، حیرت و عصمت و پدیده‌های طبیعی مختلف همچون غنچه، زهره و نه فلک، در قالب اشخاص و مناصب درباری ساختار بندی شده‌اند و شبکه‌ای منسجم از استعاره‌ها را پدید آورده‌اند که حول محور استعاره‌ی خدا شاه است قرار دارند.

استعاره‌ی دیگری که در بخش مفاهیم، تحت استعاره‌ی شاه‌انگاره، بیشترین بسامد را داراست، استعاره‌ی «دل شاه است» می‌باشد. این استعاره با نمود در ۴۲ بیت، پس از کلان استعاره‌ی «خدا شاه است» در جایگاه دوم قرار دارد. هرچند این استعاره را در کل خمسه به صورت متغیر می‌توان مشاهده کرد، اما بیشترین بسامد آن با حدود ۳۸ مورد، در منظومه‌ی مخزن‌الاسرار است که با توجه به درون مایه و محتوای این اثر که غالباً دارای موضوعی اخلاقی و عرفانی می‌باشد، شاید این امر کاملاً طبیعی جلوه کند. این استعاره نیز همچون استعاره‌ی خدا شاه است توانسته، خرده استعاره‌هایی را تحت سیطره‌ی خود قرار دهد که بخشی از آنها در تصویر شماره‌ی ۲ نشان داده شده است.

مطابق با تصویر، دل به دلیل مفهوم‌سازی در قالب منصب شاهی، دارای ارجحیت و شأن بالایی نسبت به دیگر اعضای بدن شده است، از همین رو بسیاری از اعضا و جوارح انسانی همانند صفرا، شش، جگر و کلیه با قرار گرفتن در قالب درباری به مثابه‌ی خدمه و حشم دل درآمده‌اند و تحت فرمان و سلطه‌ی آن قرار دارند.



۲. شاه‌انگاری دل.

پس از استعاره‌ی مزبور، استعاره‌ی «سخن شاه است» با ۱۲ مورد نمود، از نظر بسامد و تعداد در کل خمسه، در جایگاه سوم قرار دارد. بیشترین میزان این استعاره در مخزن الاسرار است؛ نظامی در این منظومه، برای سخن فضیلتی خاص قائل می‌شود و از برتری آن سخن می‌گوید و مقلّم بر دل به آن می‌پردازد (مخزن الاسرار، ۷۸ تا ۸۵). پس از این منظومه بیشترین تعداد بسامد این استعاره در خسرو و شیرین قرار دارد. میزان این استعاره، در دیگر منظومه‌ها به غیر از لیلی و مجنون، تنها به یک مورد می‌رسد.

از استعاره‌های دیگری که در این قسمت جای می‌گیرند، می‌توان به مواردی همچون «عقل شاه است» و «دولت و اقبال شاه است» اشاره کرد که از دیگر استعاره‌ها دارای بسامد بیشتری هستند و اولی در لیلی و مجنون و هفت پیکر و دومی تنها در خسرو شیرین نمود دارد. همچنین باید بر این نکته تاکید کرد که مفاهیم صرفاً از طریق منصب شاهی مفهوم‌سازی نشده‌اند، بلکه بخشی از آنها نیز از طریق مناصب دیگر مثل بندگی، پرده‌داری و نگهبانی توصیف شده‌اند که نمونه‌هایی از آنها را در نمودار مربوط به کلان استعاره‌ی خدا شاه است مشاهده می‌کنیم.

۶-۱-۲- مفاهیم، مقصد

نظامی گنجوی برای توصیف شخصیت‌های درباری خود در منظومه‌های مختلف، ۱۹۸ بار از مفاهیم و امور انتزاعی بهره گرفته است. او در منظومه‌ی مخزن الاسرار از قلمروی مفاهیم برای توصیف شخصیت‌های درباری استفاده نمی‌برد؛ اما در منظومه‌های دیگر، برخی از اشخاص را در قالب مفاهیم انتزاعی به تصویر می‌کشد. بیشترین استعاره‌هایی که در این قلمرو یافت می‌گردد، مربوط به منظومه‌های خسرو و شیرین، هفت پیکر و همچنین شرف‌نامه است که به ترتیب هر یک دارای ۸۹ و ۵۱ و ۴۶ مورد استعاره می‌باشند. منظومه‌های دیگر؛ یعنی لیلی و مجنون و اقبال نامه نیز هر کدام به ترتیب با داشتن، ۷ و ۵ مورد استعاره، کمترین بسامد را در این قلمروی دارا هستند.

علت افزونی میزان استعاره‌های سه منظومه‌ی مزبور در این بخش، بیشتر به درون‌مایه و مضمون این منظومه‌ها مرتبط می‌گردد؛ زیرا همانگونه که می‌دانیم این منظومه‌ها ماهیتی درباری و البته عاشقانه دارند و در آن شخصیت‌های مختلفی از جمله زنان درباری وجود دارند که به علت کلیدی بودن نقش آنها در داستان‌ها، نظامی به آنها توجه داشته و برای توصیف جمال و زیبایی‌شان از امور مختلفی از جمله مفاهیمی همچون پری، بخت، حور، آرزو و یا فرشته استفاده می‌کند؛ به همین دلیل در اینجا بیشتر استعاره‌هایی که در مورد اشخاص درباری در قلمرو مفاهیم به کار رفته

است مربوط به زنان درباری می‌شود، چنانکه نظامی بیشترین استعاره را در این زمینه برای توصیف شیرین با ۵۰ مورد، دختر حصاری و کنیز فتنه با ۱۰ مورد و کنیز چینی با ۱۲ مورد، به کار می‌برد. در جدول زیر برخی از شخصیت‌هایی که بیشترین میزان استعاره در این بخش به آنها اختصاص داده شده، به همراه مفاهیم برجسته‌ی مورد استفاده در توصیف آنها، نمایش داده شده است:

جدول ۲ (انتزاعی انگاری اشخاص درباری).

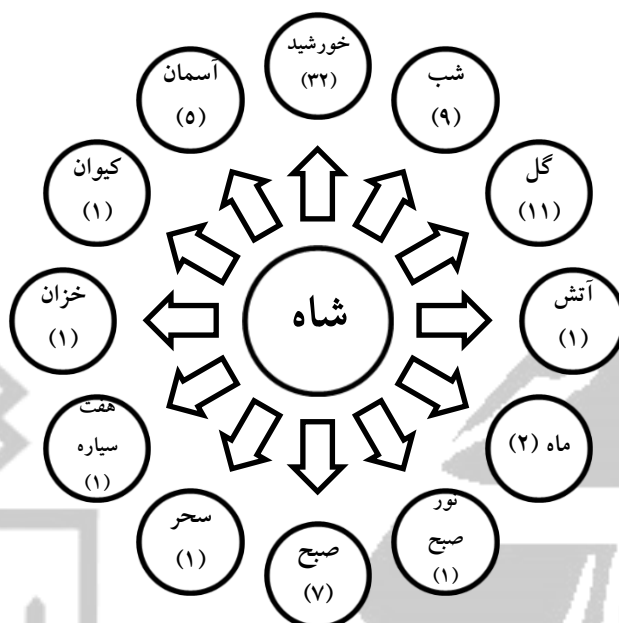
منظومه	شخصیت	استعاره‌های برجسته
خ. ش	شیرین	پری (۱۹)، پری روی (۷)، حور (۵)، پری پیکر (۵)، جان (۲)
	خسرو	بخت (۲)، پری (۱)، جان (۱)، بهشت (۱)، فتنه (۱)، فرّ خدا (۱)
	کنیزان شیرین	پری روی (۴)، حور (۲)، پری (۱)
	اتابک ابوجعفر	خدا (۱)، ظلّ خدا (۱)، جان جهان (۱)، دولت (۱)
ل. م	ملک اخستان	جان عالم (۱) دست ظفر (۱)، روزگار قاهر (۱)، فضل خدا (۱).
	دختر حصاری	پری (۶)، پری رخ (۲)، حور (۱)، فرشته (۱).
ه. پ	بهرام	جان (۱)، جبریل (۱)، فرشته (۱).
	کنیز فتنه	پری چهره (۷)، فتنه (۲)، حور (۱).
	کنیز شاه کنیزفروش	پری (۳)، پری چهره (۲)، جان دیده (۱)، حورالعین (۱).
ش. ن	اسکندر	سروش (۱)، بخت (۱)، دولت (۱)، فرشته (۱).
	کنیز چینی	پری پیکر (۷)، آب حیات (۵)، پری چهره (۳)، فرشته (۲).
	نوشابه	پری چهره (۳)، پری (۱)، دیو (۱)، فرشته منش (۱).
	کنیزان نوشابه	پری پیکر (۵)، پری چهره (۱)، پری (۲)، حور (۱).

نکته‌ی قابل تأمل در جدول نمایش داده شده، توجه خاص نظامی به مفهوم انتزاعی پری است که نظامی بیش از همه به آن توجه نشان داده و در ۹۶ مورد، از این مفهوم برای توصیف شخصیت‌های درباری بهره برده است. او در خسرو و شیرین و هفت پیکر از این عنصر بیشتر استفاده می‌کند که بهره‌گیری آن در منظومه‌ای همچون هفت پیکر که بعضی از داستان‌های آن مربوط به پریان و اموری از این دست است، ممکن است حاصل تطبیق نوع استعاره‌ها با مضامین داستان‌ها و منظومه‌ها باشد و نشان می‌دهد که او به تناسب نوع منظومه‌ای که می‌سراید و یا داستانی که بازگو می‌کند، در گزینش استعاره‌ها و تصاویر خویش نیز کمال دقت را دارد و سعی می‌کند تا حد امکان بین زمینه‌ی داستانی منظومه و استعاره‌های خویش تناسب و تعادل برقرار نماید.

مقایسه و تحلیل دو بخش:

بر اساس آنچه که در بخش مفاهیم حوزه‌ی اشخاص درباری مشخص گردید، مشاهده می‌شود برخی از گفتمان‌ها دارای یک داد و ستد استعاره‌ای با گفتمان درباری هستند. بارزترین این گفتمان، گفتمان دینی است. بر طبق آنچه که در نمودار شاه‌انگاری خدا و همچنین جدول شماره‌ی ۱۰ نشان داده شده است، مشاهده می‌کنیم که نظامی همان‌گونه که خداوند را در هیبت یک شاه ترسیم می‌کند و متعلقات آن مانند جبریل و رضوان را گنجور و خازن معرفی می‌کند، در بخش مقصد و در توصیف شاهان و اشخاص و مناصب درباری دیگر نیز از متعلقات گفتمان دینی مانند خدا، فرشته و بهشت استفاده می‌کند و از این طریق به آنها جنبه‌ی الوهیت و تقدّس می‌بخشد و به آنها ماهیتی کاملاً فراانسانی و فوق بشری می‌بخشد. تصویر زیر قسمتی از این دادوستد استعاره‌ای و گفتمانی را نشان می‌دهد:

در این بخش ۲۲۰ استعاره وجود دارد که سهم هریک از منظومه‌های مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر، شرف‌نامه و اقبال‌نامه، ۳۳، ۵۲، ۳۹، ۴۸، ۳۶ و ۱۲ مورد استعاره می‌باشد. نظامی در این بخش طیف زیادی از پدیده‌های طبیعی را مدنظر قرار داده است، پدیده‌هایی که هرکدام از آنها ماهیت و ساختار و شکل خاص خود را دارند و از همدیگر کاملاً مجزاً و متمایز هستند؛ پدیده‌های طبیعی‌ای که نظامی آنها را به مثابه‌ی اشخاص درباری مثل شاه، بنده و غلام، جنیبت‌کش، نگهبان و غیره توصیف کرده است. شکل زیر و جدول شماره ۱۱، نمایان‌گر اموری طبیعی هستند که به شاه و دیگر مناصب درباری تشبیه شده‌اند:



۴. شاه‌انگاری پدیده‌های طبیعی.

بر طبق تصویر بالا، نظامی بیش از همه‌ی پدیده‌ها به امور سماوی و نوری توجه داشته است و بسیاری از پدیده‌هایی از این دست مانند خورشید، ماه، آسمان و غیره را به مثابه‌ی شاه توصیف نموده است که بارزترین آنها استعاره‌ی «خورشید شاه است» می‌باشد که با نمود در حدود ۳۲ بیت در کل خمسه، بیشترین بسامد را در بین عناصر طبیعی در این بخش از آن خود کرده است و به جز منظومه‌های لیلی و مجنون، هفت پیکر و اقبال‌نامه که میانگین حضور این استعاره ۳ بار است، در منظومه‌های شرف‌نامه و خسرو و شیرین، حدود ۱۰ مرتبه پدیدار گردیده است. از استعاره‌های مطرح دیگر در این بخش، می‌توان به استعاره‌های «گل شاه است» و «شب شاه است» اشاره کرد که بیشترین بسامد آنها در هفت پیکر مشاهده می‌شود.

جدول ۳ (انسان‌انگاری پدیده‌های طبیعی در حوزه‌ی دربار).

ردیف	مناصب	پدیده‌ها	ردیف	مناصب	پدیده‌ها
۱	بنده	آسمان (۱۹)، زمین (۴)، ماه (۴)، آفتاب (۳)، باد (۳)، شب (۳).	۵	پرده دار	سایه (۲)، فلک (۲)، نه فلک (۱)، غار (۱).
۲	شحنه	روزگار (۳)، سپهر (۱)، شب (۱)، بوی نبی (۱).	۶	غاشیبه کش	ماه (۲)، سفت فلک (۱)، فلک (۱).
۳	فرآش	فلک (۱)، کواکب (۱)، باد (۱).	۷	یزک	فرقد (۱)، نورخورشید

		(۱)		
	دار			(۲)،
۴	نگهبان	مریخ(۳)، آسمان (۱)،	۸	دبیر
				عطارد (۵)

جدای از منصب شاهی که نظامی حدود ۷۶ بار از آن برای توصیف پدیده‌های طبیعی بهره گرفته است، منصب بندگی با ۷۱ بار کاربرد، یکی از مناصبی است که در ذهن استعاره پرداز نظامی بیشترین استفاده را داشته است. پس از این منصب، مشاغل دیگری چون نگهبانی، دبیری، غاشیه کشی و غیره نیز مورد توجه نظامی هستند که نمونه‌هایی از این دست استعاره‌ها را، در جدول بالا مشاهده می‌کنیم. بر طبق این جدول همانند استعاره‌های شاه-انگاری شده، بیشتر استعاره‌ها از طریق پدیده‌های سماوی و نوری ساخته شده‌اند.

۶-۱-۴- طبیعت، مقصد

نظامی برای توصیف اشخاص درباری در بخش مقصد، بیش از همه‌ی قلمروها از قلمرو طبیعت بهره گرفته است؛ به گونه‌ای که ۱۸۵۹ بار برای توصیف اشخاص درباری به استفاده از عناصر طبیعت اعم از جلوه‌های سماوی، گیاهی، سنگ‌های قیمتی و دیگر پدیده‌ها اقدام کرده است.

بیشترین میزان استعاره در این بخش به ترتیب از آن منظومه‌های خسرو و شیرین با ۱۰۵۷ مورد، شرف‌نامه با ۳۷۲ مورد و هفت پیکر با ۲۹۶ استعاره می‌باشد و منظومه‌های اقبال‌نامه، لیلی و مجنون و مخزن‌الاسرار با دارا بودن ۸۰ و ۳۶ و ۱۷ استعاره، در جایگاه‌های پایین‌تری از جهت داشتن استعاره قرار دارند. علاوه بر این، از بین شخصیت‌های مختلفی که وجود دارند، شخصیت‌های شیرین، خسرو پرویز، اسکندر، بهرام و کنیز چینی بیش از دیگران، مورد توصیف واقع شده‌اند. البته باید توجه داشت، اختلاف زیاد بین استعاره‌های منظومه‌های مختلف در این بخش، ناشی از حجم زیاد ابیات و همچنین مضمون درباری منظومه‌های خسرو و شیرین، هفت‌پیکر و شرف‌نامه می‌باشد. نظامی در اینجا برای توصیف اشخاص از عناصر طبیعی بسیاری استفاده می‌کند که هر یک از آنها بنا بر ماهیتی که دارند از یکدیگر متمایز و جدایند و با قلمرو و حیطه‌ی طبیعی خاصی مرتبط هستند. در جدول زیر برخی از عناصری که در این بخش، بیش از سایر پدیده‌ها مدنظر نظامی قرار داشته، نشان داده شده است:

جدول ۴ (پرتعدادترین تصویرهای طبیعی از اشخاص درباری).

ردیف	قلمرو پدیده	عناصر و تعداد آنها
۱	سماوی و نوری	ماه (۲۴۱)، خورشید (۱۳۱)، نور (۶۸)، صبح (۱۶)، آسمان (۱۵).
۲	گوهرها	گوهر (۴۲)، ذر (۳۹)، لعل (۳۶)، سیم (۲۵)، عقیق (۱۶)، یاقوت (۱۴).
۳	گیاهی	گل (۱۲۶)، سرو (۱۱۵)، گیاه (۲۸)، یاسمن (۲۷)، گل نرگس (۲۷).
۴	خوراکی	عسل و متعلقات آن (شهد، انگبین، نوش) (۳۶).
۵	آب و متعلقات آن	دریا (۴۴)، ابر (۴۰)، آب (۳۰)، چشمه (۲۰).
۶	نابودگری	آتش (۴۸)، صاعقه (۱۲).

او در ضمن برای توصیف اشخاص درباری بیش از همه از پدیده‌های سماوی و نوری، گوهرها و عناصر گیاهی و متعلقات آن مثل میوه یا برگ بهره گرفته است و پس از آن به پدیده‌های دیگری همچون پدیده‌های خوراکی و یا نابودگرایانه همچون آتش و یا صاعقه و برق توجه داشته است.

در جدول زیر اشخاصی که بیشترین استعاره‌ها به آنها اختصاص داده شده، به همراه پرتعدادترین تصاویر مربوط به آنها، ارائه گردیده است:

جدول ۵ (طبیعت‌انگاری اشخاص درباری).

منظومه	شخصیت	استعاره‌های برجسته	منظومه	شخصیت	استعاره‌های برجسته
م. ۱	کنیز شاه کنیزفروش	ماه (۳)، غنچه (۳)، سرو (۳)، آهن (۲)، آب (۱)	ه. پ	ملک	سرو (۲)، گل (۱)، ماه (۱)
	شاه سعید	آفتاب (۷)، آسمان (۸)، ابر (۲)، چشمه (۱)		ملک فخرالدین	چشمه (۲)، آفتاب (۱)، دریا (۱)، گلین (۱)
خ. ش	شاه سیاه- پوش	آفتاب (۳)، گل (۲)، باد (۱)، ابر سیاه (۱)	ش. ن	خسرو	خورشید (۲۲)، آتش (۱۳)، ماه (۱۲)، سرو (۱۱)، گل (۱۱)
	کنیزان گنبد سیاه	ماه (۳)، سرو (۲)، تازه بهار (۱)، چمن (۱)، سمن (۱)		شیرین	ماه (۹۸)، گل (۳۸)، سرو (۲۵)، نور (۱۹)، خورشید (۱۲)
	اسکندر	خورشید (۳۱)، آتش (۱۰)، دریا (۹)، سرو (۸)، ماه (۶)		شکر	سمنبر (۲)، شیرین (مزه)، لاله (۲)، باد (۱)، بادام-تر (۱)
ل. م	کنیز چینی	گل (۷)، ماه (۷)، سرو (۴)، سایه (۲)، خورشید (۲)	ش. ن	اتابک ایلدگز	آفتاب (۵)، ماه (۲)، درخش (۱)، دریا (۱)، صبح (۱)
	دارا	دریا (۴)، درخت (۳)، آتش (۲)، خورشید (۲)		کنیزان شیرین	ماه (۶)، اختر (۵)، سرو (۴)، بنات‌النعمش (۲)، پروین (۲)
ه. پ	روشنک	ماه (۲)، صدف (۲)، آزاد (۲)، دُر (۱)	ا. ن	ملک اخستان	آفتاب (۵)، نور (۴)، چشمه (۲)، دریا (۲)، صبح (۲)
	ملک سعید نصره‌الدین	دریا (۳)، آفتاب (۲)، آب (۲)، ابر (۱)، سپهر (۱)		بهرام	خورشید (۱۰)، سهیل (۵)، نور (۴)، باد (۳)، گوهر (۳)
	اسکندر	سرو (۵)، گل (۳)، ریگ (۱)، زرد گل (۱)		پادشاه (کلی)	آتش (۲)، تاک انگور (۲)، انگبین زهرآلود (۱)، خار (۱)
	ملک نصره‌الدین	ماه (۲)، آفتاب (۲)، نوبهار (۲)، ابر (۱)، آب (۱)		کنیز فتنه	ماه (۱۲)، گل (۳)، کوه (۲)

در این جدول، بسامد بالای عناصر سماوی و نوری، گیاهی و گوهرها در امر استعاره سازی به خوبی نمایان است؛ با وجود این، حضور ۱۰ درصدی استعاره‌های مربوط به نابودگری و قدرتمندی در منظومه‌ی شرف نامه با توجه به ماهیت و درون مایه‌ی رزمی آن نیز از نکات جالب توجه این بخش است.

مقایسه و تحلیل دو بخش:

با مقایسه استعاره‌های مربوط به قلمروی طبیعت در دو بخش مقصد و مبدأ مشخص می‌شود که بین گفتمان حوزه‌ی درباری با گفتمان یا بهتر بگوییم قلمرو طبیعت بده‌بستان استعاره‌ای بسیاری است؛ داد و ستدی که در سایه‌ی ذهنیت درباری خاص نظامی، به صورت انسان‌انگاری و یا طبیعت‌انگاری جلوه کرده است. همانطور که از اشکال و جداول ارائه شده در دو بخش قلمروی طبیعت در مقصد و مبدأ مشخص است، نظامی همانگونه که در قالب مناصب درباری مثل شاه، نگهبان، غاشیه‌کش و شحنه، به پدیده‌های طبیعی همچون عناصر سماوی و گیاهی جان می‌بخشد و براساس ذهنیت‌ها و باورهای خاصی که نسبت به آنها دارد، به این عناصر جنبه‌هایی همچون ارزشمندی، قدرت و یا نابودگری و محافظت‌گری را نسبت می‌دهد، از آنها برای توصیف اشخاص درباری نیز بهره می‌گیرد و از این طریق شخصیت‌های هریک از منظومه‌ها را با صفاتی همچون نورانیت و درخشندگی، بخشندگی، لطافت و زیبایی، نابودگری و قدرت ترسیم می‌کند. نظامی در بخش توصیف اشخاص درباری یا بخش مقصد، استعاره‌های زیادی را به کار می‌برد که شامل عناصر و پدیده‌های سماوی، گیاهی، عناصر ارزشمندی مثل گوهرها و پدیده‌های خوراکی و نابودگری و غیره می‌باشند؛ ولی در بخش مبدأ بیشتر از پدیده‌های سماوی و گیاهی بهره می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که نظامی در دو سویه‌ی استعاره‌سازی خود، بیش از همه‌ی عناصر و پدیده‌های طبیعی به عناصر و پدیده‌های سماوی و نوری و پدیده‌های گیاهی توجه داشته است و در استعاره سازی خود بیشتر از آنها استفاده کرده است.

۶-۱-۵- امور غیر طبیعی، مبدأ

در قلمرو امور غیر طبیعی حدود ۱۰ استعاره وجود دارد که بخشی از آنها، استعاره‌های شاه‌انگارانه و بخش دیگر مربوط به سایر مناصب، همچون بندگی، نگهبانی و چاشنی‌گیر می‌شود.

جدول ۶ (انسان‌انگاری امور مصنوع در حوزه‌ی دربار).

ردیف	امور مصنوع	توصیفات
۱	شکر	چاشنی‌گیر (۲)، شاه، بنده
۲	قلم	فرمانده، بنده
۳	درای روسی	هندوی نگهبان
۴	کتاب لیلی و مجنون	شاه‌نامه‌ها

پدیده‌ای که در این بخش بیشترین کاربرد را داراست، شکر خوراکی می‌باشد که نظامی ۵ بار از طریق آن دست به استعاره سازی زده و به توصیف افراد پرداخته است، پس از آن امور غیرطبیعی‌ای همچون راه، قلم، درای روسی و کتاب لیلی و مجنون قرار دارند که تنها دارای یک مورد بسامد هستند.

۶-۱-۶- امور غیر طبیعی، مقصد

مجموع استعاره‌هایی که در این بخش به کار رفته است حدود ۵۹۲ استعاره است که سهم زیادی از آن با بسامد ۳۷۴ مورد، در منظومه‌ی خسرو و شیرین قرار دارد. پس از این منظومه به ترتیب منظومه‌های شرف‌نامه با ۹۳ مورد، هفت پیکر با ۸۵ مورد، اقبال نامه با ۲۵ مورد، لیلی و مجنون با ۸ و مخزن‌الاسرار با ۶ مورد استعاره، در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. هرچند که در اینجا شخصیت‌های زیادی مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ اما از میان آنها شیرین با ۲۴۱ مورد، خسرو با ۶۱ مورد، کنیز چینی با ۴۱ مورد، اسکندر با ۳۶ مورد، کنیزان شیرین ۲۳ مورد، شکر با ۱۷ مورد، کنیزان

خاتون داستان شاه سیاهپوش و همچنین کنیز فتنه هر کدام با ۱۰ مورد استعاره، شخصیت‌هایی هستند که بیشترین میزان استعاره‌های مربوط به امور غیر طبیعی برای توصیف آنها به کار رفته است. چنانکه از موارد ذکر شده مشخص است حجم زیادی از استعاره‌های قلمروی امور غیر طبیعی برای توصیف زنان درباری به کار گرفته شده‌اند، که امری جالب توجه است.

در توصیف شخصیت‌های مختلف این بخش، از اشیاء و لوازم مصنوعی زیادی استفاده شده است که از جمله‌ی این لوازم می‌توان از ابزارآلات جنگی، اماکن درباری مثل قلعه و باره، اشیاء دلالت‌کننده بر نور و روشنی مثل شمع، چراغ، امور خوراکی، اشیاء قیمتی مصنوعی مانند تاج و اماکن و اشیاء دیگر اشاره کرد که از بین آنها لوازمی همچون چراغ با ۴۳، شمع با ۴۱، گنج با ۴۴، شکر ۵۳ و بت با ۴۸ استعاره، دارای بیشترین میزان کاربرد هستند.

جدول ۷ (مصنوع‌انگاری اشخاص درباری).

منظوم ه	شخصیت	استعاره‌های برجسته
خ. ش	کنیز فتنه	نگار (۲)، بت (۱)، شمع (۱)، صحن پالوده (۱).
شیرین	کنیز شاه کنیز فرو ش	بت (۱)، خوان شکر (۱)، شمع (۱)، غذا (۱).
شکر	ش. ن اسکندر	چراغ (۲)، دیبای بزم (۲)، آیینه (۱)، پرگار (۱)، خدنگ (۱).
کنیزان شیرین	کنیز چینی	بت (۲)، روشن چراغ (۲)، می (۲)، شکرپاره (۲).
باربد	دارا	چراغ (۴)، تاج (۱)، ترازوی زر (۱)، سبوی سوراخ (۱).
ه. پ	پریدخت	بت (۲)، پالوده مغز (۱)، گنج پنهان (۱).
کنیزان گنبد سیاه	نوشابه	روشن چراغ (۱)، شکر (۱)، شمع (۱)، قند نیشکر (۱)، گنج (۱).
شاه سیاه- پوش	اسکندر	ان. شمع (۴)، چراغ (۳)، سبوی (۱)، شب چراغ (۱)، شکر (۱).
شخصیت	استعاره‌های برجسته	منظوم ه
ت	شخصیت	منظوم ه
خسرو	چراغ (۸)، شمع (۸)، گنج (۵)، تاج (۲)، شکر (۲).	ه. پ
شیرین	گنج (۱۶)، بت (۱۷)، شمع (۱۳)، شکر (۱۰)، چراغ (۷).	
شکر	شکر (۵)، بت (۲)، پرند (۱)، قند (۱)، لعبت (۱).	
کنیزان شیرین	بت (۹)، شکر (۲)، لعبت (۲)، شیشه (۲)، قند (۱).	
باربد	قلم (۱).	
ه. پ	بهرام	گنج (۳)، چراغ (۲)، تاج (۱)، رحيق (۱)، ظرف (۱).
کنیزان گنبد سیاه	بت (۴)، لعبت (۲)، چراغ (۱)، راح (۱)، شکرپاره (۱).	
شاه سیاه- پوش	چراغ (۲)، شمع (۲)، دشته (۱)، غذا (۱)، قبله (۱).	ان.

مقایسه و تحلیل دو بخش:

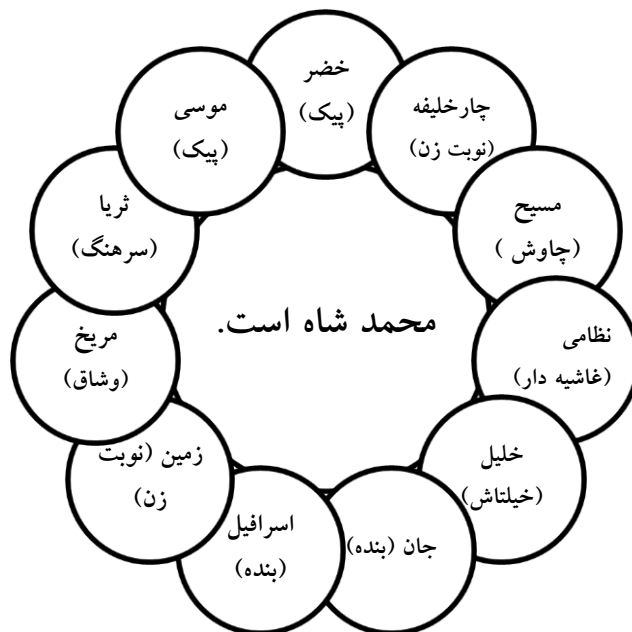
با توجه به اینکه حجم استعاره‌های موجود در بخش مبدأ خیلی کمتر از استعاره‌های بخش مقصد می‌باشد، به همین دلیل شاهد دادو سند استعاره‌ای چندان زیادی بین گفتمان درباری از یک سو و قلمرو امور مصنوع از سوی دیگر نیستیم؛ و تنها عناصری که در هر دو بخش مشترک هستند و از آنها در امر استعاره‌سازی استفاده گردیده است، عنصر شکر و قلم می‌باشد.

۶-۱-۷- انسان، مبدأ

این قلمرو در بردارنده‌ی حدود ۵۹۵ استعاره است که سهم هریک از منظومه‌ها به ترتیب بسامد از این قرار می‌باشد: لیلی و مجنون ۲۸۰، مخزن الاسرار ۱۰۶، هفت پیکر ۸۶، خسرو و شیرین ۶۱، شرف نامه ۴۲ و اقبال نامه ۲۰ مورد استعاره. در اینجا ما با مقدار زیادی از شاه انگاری شخصیت‌های داستانی و مطرح در خمسه روبرو هستیم، به طوری که میزان قابل توجهی از این بخش به استعاره‌های شاه انگارانه اختصاص دارد و از حدود ۵۹۵ استعاره، قریب به ۴۸۰ مورد آن مربوط به منصب شاهی است و پس از آن مناصب دیگری مانند بندگی، خزانه داری، پاسبانی و پرده-داری مورد نظر و توجه نظامی می‌باشد.

از جمله شخصیت‌هایی که در این بخش دارای بیشترین میزان استعاره هستند، شخصیت‌هایی چون حضرت محمد، مجنون، لیلی، مطلق انسان، شخص نظامی و ابن سلام شوهر لیلی می‌باشند. در این میان، بخشی از استعاره‌ها نیز اختصاص به اعضا و جوارح انسانی دارد که نظامی به صورت جاندارانگارانه برای آنها در قالب مناصب درباری هویت و ماهیتی جدید خلق کرده است؛ مانند جگر بنده‌ی دل است و سپرز یزک شکار است، که مربوط به کلان استعاره‌ی دل شاه است می‌باشند و ما پیش از این آنها را در قالب خرده‌استعاره‌هایی برای کلان استعاره دل شاه است مطرح کردیم. همچنین برخی از استعاره‌ها نیز به اجزای بدن اشخاص داستانی و زنان درباری مانند زلف، صورت، لب و مژگان آنان مربوط می‌شود؛ مثل استعاره‌هایی چون زلف شیرین پرده دار است، زلف کنیز چینی نگهبان است و مژگان لیلی دورباش و نگهبان است.

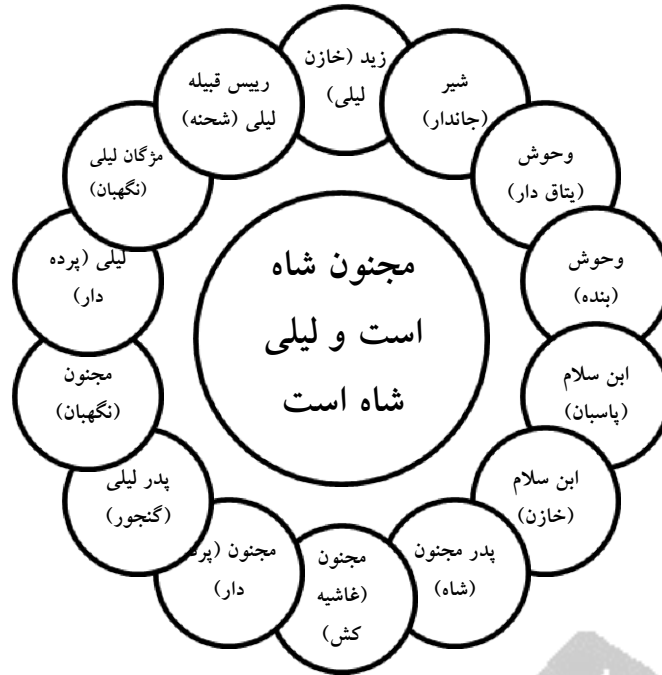
پر بسامدترین استعاره در این بخش، استعاره‌ی محمد شاه است می‌باشد؛ استعاره‌ای که به مثابه‌ی خرده استعاره‌ای برای کلان استعاره‌ی خدا شاه است به حساب می‌آید و از آنجا که نظامی در اکثر منظومه‌های خود، پس از ذکر تحمیدیه‌های مربوط به خدا، به نعت پیامبر و معراج ایشان می‌پردازد، این استعاره، در اغلب بخش‌های ابتدایی منظومه‌های خمسه، دارای بسامد بسیار بالایی است و در ۲۶۰ بیت نمودار گشته است و در راستای کلان استعاره‌ی «خدا شاه است»، طیفی از خرده استعاره‌های دیگر را در حیطه‌های مختلفی همچون قلمروی مفاهیم، طبیعت و انسان به وجود آورده است:



۷. شاه‌انگاری محمد (ص).

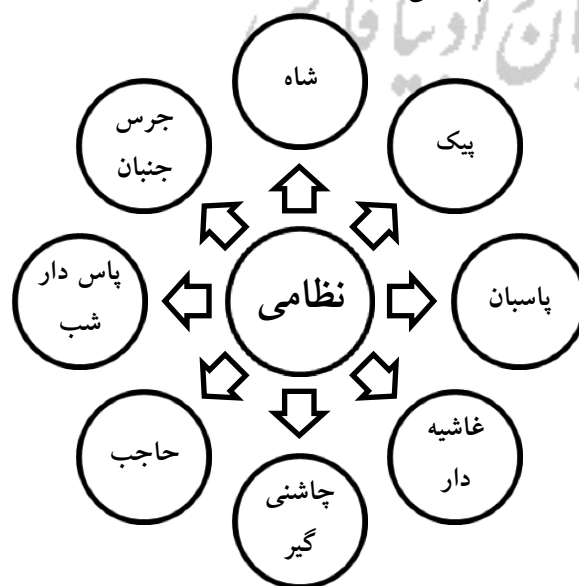
البته نظامی غیر از منصب شاهی، پیامبر (ص) را در قالب دیگر مناصب نیز مورد توصیف قرار می‌دهد که از نمونه‌های این مناصب می‌توان به منصب‌هایی چون سرهنگ، شهنه، یتاق‌دار، نوبت‌دار و سرخیلی و سرداری اشاره کرد. پس از استعاره‌ی پریسامد «محمد شاه است»، با حجم وسیع استعاره‌های شاه‌انگاران و یا درباری‌انگاران در منظومه‌ی لیلی و مجنون برخورد می‌کنیم. در هیچ یک از منظومه‌های نظامی، شخصیت‌های انسانی غیر درباری، به اندازه‌ی شخصیت‌های این منظومه، در قالب شاه و یا دیگر مناصب درباری مطرح نشده‌اند و از این لحاظ مثنوی لیلی و مجنون یک استثناء است. پریسامدترین استعاره‌ها در این منظومه جدای از خرده استعاره‌ی «محمد شاه است» که در اکثر منظومه‌ها، دارای بسامد است، استعاره‌های «مجنون شاه است» با ۷۴ مورد نمود، «لیلی شاه است» با ۷۰ بیت نمود، «مجنون بنده‌ی لیلی است» با ۱۶ نمود، «پدر مجنون شاه است» با ۸ نمود و استعاره‌های «ابن سلام شاه است» و «سلام بغدادی بنده‌ی مجنون است» هر یک با ۴ مورد نمود می‌باشد که همانگونه که ملاحظه می‌شود، این حجم زیاد شاه‌انگاری یا منصب درباری‌انگاری آن‌هم در یک منظومه‌ی غیر مرتبط با امور درباری بسیار جای تعجب و البته جای تامل دارد، که می‌تواند نشأت گرفته از ذهن و نظام فکری - درباری نظامی باشد، به گونه‌ای که او حتی در منظومه‌ای غیر درباری و غیر مرتبط با مسائل شاهان و درباریان نیز نمی‌تواند آن اندیشه و نظام درباری را از ذهنیت خود خارج کند و برای توصیف و ترسیم قهرمانان و چهره‌های داستانی خویش، از این نظام اندیشگانی و استعاره‌های شاه‌انگاران و همچنین مناصب در ارتباط با آن استفاده می‌کند.

دو استعاره‌ی مرکزی منظومه‌ی لیلی و مجنون استعاره‌های «مجنون شاه است» و «لیلی شاه است» می‌باشد که اغلب استعاره‌هایی مربوط به اشخاص این منظومه، در راستای این دو استعاره شکل گرفته‌اند و به نوعی زیر مجموعه‌ی این استعاره‌ها قرار می‌گیرند.



۸. شاه‌انگاری لیلی و مجنون.

از استعاره‌های مطرح دیگر، در بخش قلمروی انسان، استعاره‌های «انسان شاه است» و «آدم شاه است» می‌باشد که هر کدام ۱۶ و ۷ مورد بسامد دارند و با وجود اینکه نمود آنها را می‌توان در منظومه‌های مختلف نیز مشاهده کرد؛ اما بیشترین میزان بازتابشان در مخزن‌الاسرار می‌باشد. بخشی از استعاره‌های این بخش نیز مربوط به اشخاص درباری منظومه‌ها است و شخصیت‌هایی همچون شاهان و معشوقه‌های آنان و یا کنیزان به دیگر اشخاص درباری تشبیه گشته‌اند. از جمله‌ی این موارد می‌توان به استعاره‌های مربوط به شاه‌انگاری شیرین (قبل از رسیدن به شاهی موقت) و کنیزانش، کنیز چینی (شرف نامه) و همچنین بنده-انگاری خسرو پرویز اشاره کرد. از نکات جالب توجه، توصیفات است که نظامی در این بخش به خود نسبت داده است؛ توصیفات که متضمن مناصب مختلفی از جمله غاشیه‌داری و پاسبانی است:



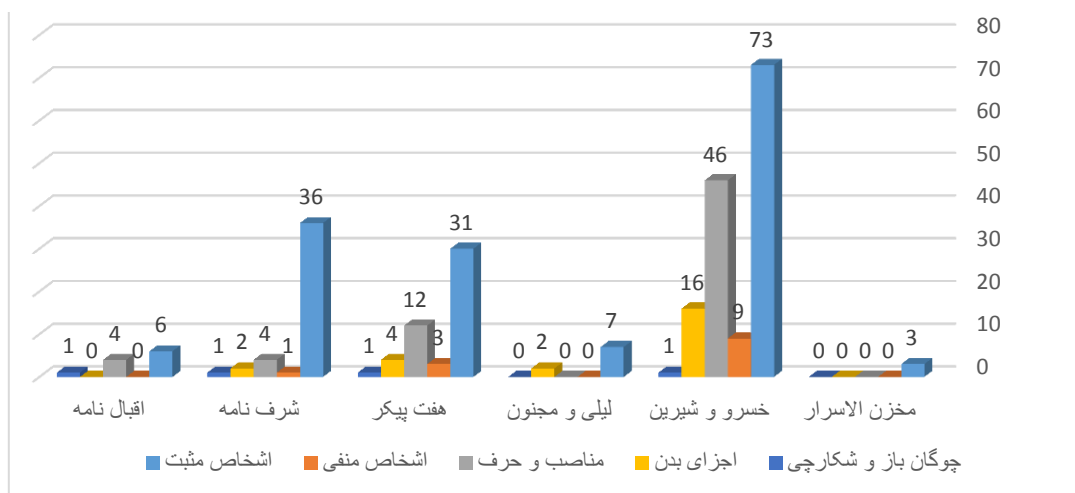
۹. نظامی در قالب مناصب درباری.

در این قسمت حدود ۲۷۲ استعاره دیده می‌شود که سهم هریک از منظومه‌ها از لحاظ بسامد استعاره‌ها به این گونه است که منظومه‌ی خسرو و شیرین با در برداشتن ۱۴۹ استعاره بیشترین میزان استعاره را در این بخش داراست و منظومه‌های هفت پیکر، شرف نامه، اقبال نامه، لیلی و مجنون و مخزن الاسرار به ترتیب با داشتن ۵۰، ۴۷، ۱۳، ۹ و ۴ مورد استعاره در جایگاه‌های بعدی از لحاظ میزان استعاره‌های درباری در قلمروی انسان و متعلقات آن قرار دارند. استعاره‌های این بخش شامل انواع مختلفی است؛ آنگونه که بخشی از آنها در ارتباط با تشبیه اشخاص درباری به شخصیت‌های اسطوره‌ای، حماسی، دینی و یا شخصیت‌های داستان‌های عاشقانه، شاهان گذشته و یا اشخاص درباری و مشاغل گوناگون است و بخشی دیگر در ارتباط با شخصیت‌انگاری اجزاء و متعلقات اشخاص درباری است که میزان این نوع استعاره‌ها حدود ۲۴ مورد می‌باشد. در بخشی دیگری از این استعاره‌ها نیز مشاهده می‌گردد که اشخاص درباری به اجزای بدن آدمی تشبیه شده‌اند که تعداد این نوع استعاره‌ها نیز قریب به ۲۴ مورد است. نظامی در توصیف شخصیت‌های درباری، اشخاص زیادی را مدنظر قرار می‌دهد. برخی از شخصیت‌هایی که نظامی برای توصیف اشخاص درباری از آنها استفاده کرده است عبارتند از اشخاص مطرح در گفتمان دینی و اعتقادی مانند یوسف، یعقوب، خضر، مهدی (ع)، عیسی و سلیمان، شاهان و شخصیت‌های اسطوره‌ای و حماسی مثل کیخسرو، فریدون، رستم، افراسیاب و جمشید، شاهان ایران باستان یا دوران اسلامی مثل اسکندر، دارا، سلطان محمود، اشخاص درباری و ارباب مشاغل مانند ساقی، پاسبانی، پرده‌داری، قصب‌باف و حتی شاهی و موارد دیگر. در جدول زیر نوع توصیفات مربوط به این بخش که نظامی از آنها برای تصویرسازی شخصیت‌های درباری استفاده کرده، به همراه بسامد آنها آمده است:

جدول ۸

ردیف	نوع انسان و متعلقات آن	بسامد
۱	اشخاص مثبت (پامبران و شاهان و...)	۱۵۷
۲	مشاغل (سلطنتی و بازاری)	۶۶
۳	اجزای بدن	۲۴
۴	اشخاص منفی (دزد و صرعی و ...)	۱۳
۵	چوگان باز و شکارچی	۴

نمودار زیر نیز به خوبی میزان بسامد انواع شخصیت‌ها و متعلقات انسانی را که نظامی از آنها برای توصیف اشخاص درباری مختلف استفاده کرده است، نشان می‌دهد:



۱۰. نمودار کاربرد شخصیت‌های مختلف در تصویرسازی اشخاص درباری.

از نکات جالب توجه در این بخش، توجه خاص نظامی به شخصیت حضرت سلیمان است. نظامی از بین شخصیت‌های مختلف موجود در گفتمان دینی بیش از همه از این شخصیت برای توصیف اشخاص درباری استفاده کرده است که میزان کاربرد آن در امر استعاره‌سازی حدود ۱۲ مورد می‌باشد. مبحث دیگر مربوط به شرف نامه است. بیشترین میزان استعاره‌هایی که در این منظومه قرار دارند، از گفتمان‌های اسطوره‌ای و حماسی گرفته شده‌اند و با توجه به اینکه این منظومه یک اثر حماسی به شمار می‌آید، کاربرد این نوع شخصیت‌ها برای استعاره‌سازی، الهام‌گیری و تاثیرپذیری بسیار نظامی را از شاهنامه و فردوسی نشان می‌دهد. در جدول پایین، اشخاصی که بیشترین میزان توصیفات به آنها اختصاص داده شده، به همراه پربسامدترین استعاره‌های مربوط به آنها آمده است:

جدول ۹ (اشخاص درباری در قالب شخصیت‌ها مختلف).

منظومه	شخصیت	استعاره‌های برجسته	منظومه	شخصیت	استعاره‌های برجسته
خ. ش	خسرو	یوسف (۴)، دارا (۳)، سلیمان (۲)، عیسی (۲)	ه. پ	شاه سعید	سلیمان (۱۰)، خضر (۱)، رستم (۱)، مهدی (۱).
	شیرین	چشم (۳)، هندوی پاسبان (۳)، خضر (۲)، آفاق (۱)، افراسیاب (۱).		شاه سیاه- پوش	اسکندر (۱)، دزدگنج پرست (۱)، زلف (۲)، صرعی (۱).
شکر	کنیزان شیرین	قصاب (۱)، پرده- دارشیرین (۱)، دایه (۱)، ویسه (۱)، افراسیاب (۱)، خضر (۱).	ش. ن	اسکندر	رستم (۲)، کیخسرو (۲)، جمشید (۱)، خضر (۱).
				ملک سعید	اسکندر (۳)، خضر (۲)، بهرام گور (۱)، رستم (۱).
ه. پ	بهرام	جمشید (۲)، چوپان (۲)، خیاط (۳)، سلیمان (۱)، یوسف (۱)، محمد (ص) (۱).	ا. ن	اسکندر	جمشید (۱)، بنده هوا (۱)، عماری کش (۱)، هندوی شب (۱)، بهرام گور (۱).

مقایسه و تحلیل دو بخش

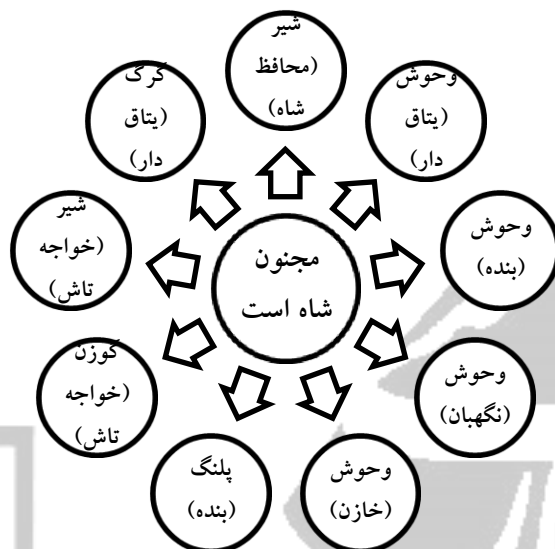
در این بخش دادو ستد استعاره‌ای خاصی بین دو قلمروی انسانی مربوط به بخش مقصد و مبدأ دیده نمی‌شود؛ زیرا که در بخش مبدأ، بیشتر شخصیت‌های غیردرباری منظومه‌هایی چون لیلی و مجنون قرار دارند که آنها نیز چندان در امر تصویرسازی شخصیت‌های درباری بخش مقصد کاربرد نداشته‌اند.

۶-۱-۹- حیوان، مبدأ

در قسمت مبدأ، حدود ۵۷ استعاره وجود دارد که مربوط به قلمرو حیوانات می‌شود. حجم وسیعی از این استعاره‌ها (حدود ۳۸ مورد) مربوط به منظومه‌ی لیلی و مجنون است و باقی آنها به ترتیب بسامد از آن منظومه‌های خسرو و شیرین با ۹ مورد، مخزن الاسرار و هفت پیکر با ۳ مورد و شرف نامه و اقبال نامه با ۲ مورد می‌باشد. در اینجا هر چند حیوانات زیادی در امر تصویرسازی به کار رفته‌اند، اما آنچه که بیش از همه مدنظر نظامی قرار داشته است، مطلق حیوان وحشی است؛ به گونه‌ای که در ۳۵ مورد، مطلق حیوان وحشی را در امر استعاره‌سازی به کار برده و دست به توصیف آن زده است. از حیوانات دیگری که مورد توجه نظامی بوده است می‌توان به مار، شیر، گرگ، طاووس و یا روباه نیز اشاره کرد. همچنین باید اذعان کرد که نظامی در امر انسان‌انگاری این حیوانات، بیشتر به منصب غلامی و

بندگی، نگهبانی، شاهی، یزک داری و یتاق داری توجه داشته و از این گونه مناصب برای جلوه‌ی انسانی بخشیدن به حیوانات بهره گرفته است.

همانطور که گفته شد بیشترین استعاره‌های این بخش مربوط به منظومه‌ی لیلی و مجنون می‌باشد. با توجه به اینکه فضای داستان در صحرا و بیابان قرار دارد، طبیعتاً نظامی سعی داشته است تا از عناصر و پدیده‌های طبیعی برای ترسیم و تزئین اثر خویش استفاده کند که یکی از جلوه‌های آن شخصیت بخشی به حیوانات وحشی در شکل و شمایلی درباری است. اکثر این استعارات برطبق آنچه که در توصیف قلمروی انسانی بخش مبدأ نیز نشان داده شد، مربوط به استعاره‌های مرکزی مجنون شاه است و لیلی شاه است می‌باشند که البته در اینجا نقش استعاره‌ی مجنون شاه است، بنابر موقعیت خاص و ویژه‌ای که نظامی برای او در داستان بیان می‌کند، نسبت به استعاره‌ی لیلی شاه است بیشتر است و اکثر این استعاره‌ها، تحت سیطره‌ی این استعاره قرار دارند:



۱۱. انسان‌نگاری حیوانات در حوزه‌ی درباری.

۶-۱-۱۰- حیوان، مقصد

در این قلمرو نیز حدود ۶۱۲ استعاره وجود دارد که سهم هریک از منظومه‌ها به ترتیب بسامد از این قرار است: خسرو و شیرین ۲۸۳ مورد، شرف نامه ۲۱۹، هفت پیکر ۹۱، اقبال نامه ۱۲، لیلی و مجنون ۵ و مخزن الاسرار ۲ استعاره. در مجموع، در کل این قلمرو حدود ۶۲ شخصیت به حیوان تشبیه شده‌اند که از میان این ۶۲ شخصیت، بیشترین استعاره متعلق به اشخاص درباری‌ای چون شیرین با ۱۲۹ استعاره، خسرو با ۸۵ استعاره، بهرام با ۳۲ استعاره، اسکندر با ۱۳۵ استعاره، دارا با ۳۷ استعاره و کنیز چینی با ۱۹ مورد استعاره می‌باشد. در این بین، حیواناتی که نظامی برای توصیف این اشخاص به کار می‌گیرد، حدود ۷۲ حیوان است که از بین آنها بسامد حیواناتی چون اژدها با ۲۹ مورد، پرنده با ۴۵ مورد، شیر با ۱۵۰ مورد، مار با ۲۵، مطلق حیوان با ۳۵، آهو با ۲۰ و کبک با ۲۵ مورد کاربرد، از سایر موارد بیشتر است.

جدول ۱۰ (حیوان‌نگاری اشخاص درباری).

منظومه	شخصیت	استعاره‌ها	منظومه	شخصیت	استعاره‌ها
خ. ش	خسرو	شیر (۲۵)، پرنده (۸)، پیل (۷)، باز (۶)، سیمرغ (۳)	ش. ن	اسکندر	شیر (۴۳)، اژدها (۱۴)، پیل (۹)، کبک (۷)، روباه (۵)
		شیرین			پرنده (۱۶)، آهو (۹)، شیر (۷)، طاووس (۶)، هما و گوزن (۵)

بهرام چوبین	شیر (۵)، گرگ (۱)، مگس (۱)، روباه (۱)، سگ (۱)	دارا	شیر (۱۳)، کبک (۷)، پیل (۴)، عقاب (۲)، آهو بره (۱)
کنیزان شیرین	ماده شیر (۲)، تذرو (۲)، غزال (۱)، کبوتر (۱)	نوشابه	شیر (۲)، طاووس (۲)، نهنگ (۱)، مرغ (۱)، آهو (۱)
ه. پ بهرام	شیر (۲۰)، پرنده (۳)، اژدها (۳)، گور (۱)	خاقان چین	گراز (۲)، تذرو، ملخ، گوزن و نخجیر خام (۱)
مدعی شاهی یزگرد	عنکبوت (۲)، روباه (۲)، گور، مور، پشه و شیر (۱)	اسکندر	مرغ (۴)، تذرو (۲)
کنیز شاه کنیز فروش	کره‌ی اسب (۵)، پرنده (۱)	ماریسه قبطی	مار گنج (۲)، شیر (۱)

در جدول شماره‌ی ۱۹ کارکرد شناختی هریک از استعاره‌ها به خوبی مشخص گردیده است. این جدول نشان می‌دهد که نظامی برای توصیف شخصیت‌های زن بیشتر متمایل به کاربرد حیواناتی است که جنبه‌ی زیبایی آنها مطرح است، حیواناتی نظیر طاووس، تذرو و آهو؛ در حالی که برای توصیف شخصیت مردان مثبت منظومه‌های خویش، از حیواناتی همچون سیمرغ، شیر، پیل و یا اژدها بهره می‌برد که بیشتر نشان‌دهنده‌ی قدرت و تنومندی هستند. او همچنین در امر تصویرسازی شخصیت‌های منفی نیز از حیواناتی نظیر مور، پشه، سگ و گراز استفاده می‌کند که عمدتاً موید معنای ضعف و زبونی می‌باشند.

در جدول زیر نیز حیوانات مطرح در چهار منظومه‌ای که بالاترین میزان استعاره را در این بخش دارا هستند، مشخص گردیده است:

جدول ۱۱ (پربسامدترین حیوانات به کار رفته در استعاره‌سازی).

ردیف	منظومه	حیوانات مطرح
۱	خسرو و شیرین	شیر، پرنده، مطلق حیوان، آهو، مار، باز
۲	هفت پیکر	شیر، اژدها، اسب، سگ
۳	شرف‌نامه	شیر، اژدها، پیل، مطلق حیوان، کبک، نهنگ، مار، روباه
۴	اقبال‌نامه	مرغ، تذرو، مار، بلبل

همانطور که از دو جدول بالا مشخص است، نظامی برای هریک از شخصیت‌های منظومه‌ها، بنابر موقعیت و فضای داستانی آنها، حیوانات خاصی را برای توصیف انتخاب کرده است. مثلاً برای توصیف شخصیت‌های منظومه‌ی خسرو و شیرین - البته با در نظر نگرفتن بسامد بالای حیوانی چون شیر - بیشتر از پرندگان و یا حیوانات کم آزار بهره می‌گیرد و برعکس برای توصیف شخصیت‌های اثری چون شرف‌نامه از حیواناتی چون شیر، اژدها، پیل، مطلق حیوان، نهنگ، مار، روباه بهره می‌گیرد که با توجه به مضمون و درون‌مایه‌ی غالباً جنگی شرف‌نامه تناسب بسیاری با محتوای این منظومه دارند؛ زیرا که اکثر این حیوانات به دلیل ماهیت و شکل و شناختی که از آنها داریم، به گونه‌ای نماد جنگ و رزم و قدرت هستند که نظامی با هوشیاری از آنها برای توصیفات اشخاص این منظومه بهره گرفته است.

مقایسه و تحلیل دو بخش

با بررسی قلمروی حیوانات در دو بخش مبدأ و مقصد، مشخص می‌شود که با وجود اینکه استعاره‌های بخش مقصد بسیار بیشتر از استعاره‌های بخش مبدأ است؛ اما داد و ستد استعاره‌ی بین قلمروی درباری و حیوانات بسیار پررنگ می‌باشد؛ به گونه‌ای که مشاهده می‌کنیم، نظامی برای توصیف حیوانات حدود ۵۷ بار از گفتمان درباری استفاده می‌کند و انواع حیوانات را از طریق شخصیت بخشی در قالب مناصب درباری به تصویر می‌کشد که برخی از این نوع تصاویر تحت یک نظام و ساختار خاص و یک کلان استعاره‌ی مرکزی درباری در پیوند با یکدیگر قرار دارند.

در بخش مقصد نیز حدود ۶۱۲ مرتبه از قلمرو حیوانی برای توصیف اشخاص درباری بهره گرفته شده، که البته این توصیف‌ها بنابر نوع حیوان و صفات مخصوص به آن صورت گرفته است؛ در واقع نظامی در بخش مبدأ بنابر ذهنیت خاصی که نسبت به حیواناتی مثل شیر، گرگ و یا گوزن داشته است آنها را با مناصبی مثل یتاقداری، جاننداری و بندگی توصیف کرده است و از سوی دیگر بنابر همین ذهنیت، به ترسیم چهره‌ی بسیاری از شاهان و درباریان پر زور و قدرتمند از طریق این دست حیوانات اقدام کرده است. او خواه ناخواه بنابر نوع افراد و فضا و درون مایه‌ی داستان سعی داشته است تا برای هر یک از شخصیت‌ها، تصویر حیوانی متناسب با آن را برگزیند که متضمن قدرت، لطافت، رذالت، پلیدی و خباثت و یا ضعف آن شخص می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با اعتقاد به کارآمد بودن مطالعه‌ی شناختی در فهم و درک بهتر نظام فکری و اندیشگانی نظامی گنجوی، تلاش شد ساختارهای استعاره‌پردازی، شاکله‌ها و آن عواملی که باعث ایجاد استعاره در ذهن نظامی می‌شود، نشان داده شود. از همین رو در مسیر پژوهش تلاش شد تا با مطالعه و بررسی دقیق استعاره‌های شناختی و دو سویه‌ی آنها، نحوه‌ی داد و ستد بین قلمروهای مورد نظر نمایان شود.

مهم‌ترین نتیجه‌ی این پژوهش این است که ثابت کرد، بخش اعظمی از نظام استعاره‌پردازی نظامی، مربوط به نظام درباری می‌شود، گفتمانی که باعث خلق کلان‌استعاره‌ها و به تبعیت از آن خرده‌استعاره‌های بسیار و همچنین استعاره‌های ساختارمند در خمسه نظامی گشته است. برطبق آنچه که در این تحقیق نشان داده شد، نظامی به حوزه‌ی اشخاص و مناصب درباری توجه بسیار داشته است؛ او در قلمرو مبدأ با کاربرد پدیده‌های مختلف در قالب مناصب مختلف درباری انسجام و شاکله‌ی خاصی در منظومه‌های خمسه پدید آورده است، چنانکه کاربرد استعاره‌ای همچون خدا شاه است، موجب ایجاد شبکه‌ای از استعاره‌ها در خمسه شده است که بسیاری از استعاره‌های دیگر را تحت سیطره و تسلط خود درآورده است. در واقع ذهنیت و تفکر نظامی به گونه‌ای ساختاربندی شده است که نمی‌تواند از قالب فکری گفتمان درباری بیرون بیاید و خواه ناخواه به این مسیر کشیده می‌شود، مسیری که نظامی آن را در همه‌ی منظومه‌های خود دنبال می‌کند و از آن عدول نمی‌کند. این مسئله خود را در بررسی استعاره‌های منظومه‌ای مانند لیلی و مجنون بیشتر نشان می‌دهد. در این منظومه که عمده‌ی فضای آن، فضای صحرا و بیابان است، طیف زیادی از استعاره‌هایی وجود دارد که در آن نه تنها شخصیت‌ها بلکه برخی حیوانات وحشی نیز در قالب اشخاص و مناصب درباری صورت‌بندی شده‌اند و به صورت منسجم حول محور استعاره‌های مرکزی مجنون شاه است و لیلی شاه است پدید آمده‌اند.

در مجموع نظامی در بخش مبدأ از بیش از شصت منصب درباری برای عینیت‌بخشی به پدیده‌های مختلف بهره گرفته است که هشتاد درصد آنها مربوط به منصب شاهی است، منصبی که به دلیل اهمیت والا و همچنین داشتن نقش مرکزی، بستری مناسب را برای تطبیق یافتن با عناصر ارزشمند تفکر و اندیشه‌ی نظامی به وجود آورده و منجر به خلق نگاشت‌هایی شده که متن خمسه را تحت سلطه‌ی خود در آورده است.

در ضمن بررسی استعاره‌های قلمرو مقصد نیز نشان می‌دهد که نظامی بخش اعظمی از توصیفات خود را به مناصب و اشخاص درباری اختصاص داده است، شخصیت‌هایی همچون شیرین، خسرو، اسکندر و بهرام که نظامی در

تصویرسازی از آنها از پدیده‌های مختلف علی‌الخصوص پدیده‌های طبیعی و حیوانی استفاده کرده است. این تصاویر که متضمن معنا‌های مختلفی از جمله زیبایی، قدرت، نابودگری، زبونی و پستی و غیره هستند، توسط انگاره‌های ذهنی نظامی از هر کدام از این شخصیت‌ها و مناصب درباری به وجود آمده‌اند.

منابع

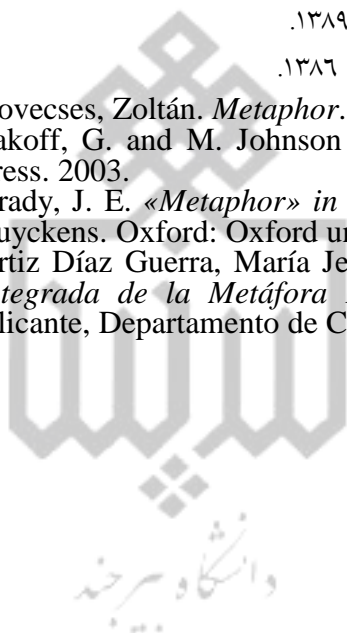
- استاجی، ابراهیم، فرهنگ عناصر اشرافی و کاربرد بلاغی آنها در شعر فارسی تا قرن پنجم هجری قمری. رساله‌ی دکتری. دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۳۸۱.
- بری، مایکل، تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی. ترجمه‌ی جلال علوی‌نیا. تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا، صورخیال در شعر فارسی. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۶.
- نظامی، الیاس بن یوسف، شرف نامه. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: انتشارات امیر کبیر. ۱۳۸۶.
- _____، هفت پیکر. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: انتشارات امیر کبیر. ۱۳۸۹.
- _____، مخزن الاسرار. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: انتشارات توس. ۱۳۸۶.
- _____، اقبال نامه. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: انتشارات امیر کبیر. ۱۳۸۹.
- _____، لیلی و معنون. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: انتشارات امیر کبیر. ۱۳۸۹.
- _____، خسرو و شیرین. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: انتشارات امیر کبیر. ۱۳۸۶.

Kovecses, Zoltán. *Metaphor*. New York: Oxford University Press. 2002.

Lakoff, G. and M. Johnson , *Metaphors We Live by*. London: The University of Chicago Press. 2003.

Grady, J. E. «*Metaphor*» in *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. D. Geeraerts, H. Cuyckens. Oxford: Oxford university press. 2007.

Ortiz Díaz Guerra, María Jesús. *La Metáfora Visual Incorporada: Aplicación de la Teoría Integrada de la Metáfora Primaria a un corpus audiovisual*. Alicante: Universidad de Alicante, Departamento de Comunicación y Psicología Social. 2009.



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی